



عیسا گفت: «هر که می خواهد مقدم باشد، مؤخر و خادم همه بود» (مرقس ۹: ۳۵).

آن چه بعضی ها می گویند...

* مسیحیان مدارس و درمانگاه های رایگان دارند، تا مردم را به سوی خود جذب نمایند.

* راهب ها و راهبه ها، خود را در دیرها حبس می کنند تا نیایش کنند؛ بهتر بود در دنیا متعهد باشند و به برادرانشان خدمت کنند.

* اغلب کشیش ها راهب شده اند و ازدواج نمی کنند و این اشتباه و گناه است زیرا فرزندان برکت خدا می باشند.

* خوبی کردن بدون خودنمایی، بدون استفاده جویی، در میان مسیحیان همان قدر کمیاب است که در مردمان دیگر.

* اغلب مسیحیان به دنیای غرب، دنیای پولدارها تعلق دارند.

* تنها مسیحیان قادرند اعمال پر از محبت واقعی انجام دهند.

* به واسطه ی مدارس، بیمارستان ها و خدمات متعدد، کلیسا به زندگی خیلی ها کمک کرده است.

آن چه مسیحیان می گویند...

خدمت در قلب زندگی مسیحی است و شورای اسقفان و اتیکان دوم، با گفتن این که کلیسا باید خود را خادم و فقیر کند، همین موضوع را یادآوری کرده است.

۱- عیسا: در عین حال خادم خدا و خادم انسان ها است

* در کنار خیلی از نبوت های پیامبران که آمدن مسیح، پادشاه پر جلال را اعلام می کنند چندین متن کتاب مقدس مانند اشعیا باب های ۴۲-۵۳ کسی که باید بیاید را، به صورت خادم خدا معرفی می کنند. او هم چنین، خادم انسان ها خواهد بود.

* بدین گونه است که عیسا ی مسیح به روی زمین آمد. او فقیرانه در آخوری در بیت لحم به دنیا آمد و وقتی زندگی اجتماعی را شروع کرد هر وسوسه قدرت طلبی بر روی زمین را کنار زد.

* تا به آخر، مأموریتش را به عنوان خادم انجام داد. چون ناعادلانه محکوم شد، از تحقیر و تمسخر رنج برد مثل برده های شکنجه شده زمانش و بر روی صلیب جان سپرد.

* بدین ترتیب، آن چه را که در مورد او نوشته شده بود و خود او گفته بود را به انجام رساند: «پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند» (مرقس ۱۰: ۴۵). برخاسته از مرگ و بالا برده شده نزد خدا، پدرش، او برای هر مسیحی، الگوی خادم است.

* بدین صورت است که او خادم کامل، یک مأموریت یگانه را به انجام رساند: مکشوف کردن خدای پدر. با خادم نمودن خود، او محبتی عظیم، بی نهایت رایگان، کاملاً بی توقع را متجلی کرد و در عین حال به عنوان یکتا پسر، محبت شگفت انگیز پدرش را نسبت به همه ی انسان ها مکشوف ساخت.

۲- مسیحیان، هم چون عیسا خادم هستند

* آن هایی که می خواهند از عیسا پیروی کنند، شاگرد واقعی نیستند مگر، به مانند او خادم شوند، «هر که می خواهد مقدم باشد، مؤخر و خادم همه بود» (مرقس ۹:۳۵).

* با این رفتار، این خود عیسا است که آن ها خدمت می کنند. خود اوست که آن ها در فقیرترین و بیچاره ترین ها، باز می شناسند: «آنچه به این برادران کوچکترین من کردید، به من کرده اید» (متی ۲۵:۴۰). تمام عظمت خدمت در این جا نهفته است.

* خدمت کردن، یعنی وظیفه ای را انجام دادن، از خود مایه گذاشتن، با سخاوت آماده ی خدمت بودن، همان طور که خود عیسا بود. هم چنین گاهی اوقات رنج کشیدن برای دیگران. خصوصاً مشارکت با عیسا در راز رنج و مرگش، قبل از این که در رستاخیز به او بپیوندند.

* این جاست که یک راه جدید نجات، به تمام مردان و زنان زمین عرضه می شود: با خدمت کردن به یک دیگر وارد مشارکت با کسی می شوند که خود را خادم کرد. و او آن ها را در جلالش خواهد پذیرفت. این مشارکت با عیسا در خدمت، سهیم شدن در دوستی الاهی را از همین حالا ممکن می سازد.

* این خدمت، وظیفه ی تمام کلیساست. عیسا خود، بعد از رستاخیزش آن را به شاگردانش می سپارد و هم چنین توصیفش می کند: «پس رفته، همه ی امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه ی اموری را که به شما حکم کرده ام، حفظ کنند» (متی ۲۸:۱۹-۲۰).

آن چه مسیحیان در انجام آن می کوشند...

* کلیسا خادم و فقیر همان طور که می خواهد نبوده و نیست. اغلب به خاطر تکبر در این وسوسه می افتیم که بیشتر خدا را در عظمت خود تقلید کنیم و نه خدمت به خدا و فقرا. لیکن خدمت خدا و انسان ها، مغایر با سلطه طلبی و افتخار طلبی است. البته چندین طریق برای پیروی از عیسی در راه خدمت وجود دارد. هر مسیحی باید به مأموریت شخصیتش و هم چنین به احتیاجات شناخته شده در اطرافش، وفادار باشد.

* بیشتر مسیحیان، این خدمت را در زندگی روزمره شان از ورای فعالیت های شغلی، خانوادگی و اجتماعی شان انجام می دهند. آن ها به سادگی در کنار برادران و خواهران خود، بدون چشم داشت به تبلیغ، در انسانیت متعهد می شوند و شهادت می دهند.

* بعضی به گونه ای خاص تر، از ورای موسسه ها و اجتماعات، در خدمت فقیران، بیماران، مظلومان و درماندگان جامعه، متعهد می شوند. بعضی، حتی در زندگی فقرا سهیم می شوند و در حلبی آبادهای شهرهای بزرگ و مدرن یا در روستاهای فراموش شده و دور افتاده، با فقرا زندگی می کنند. بدین ترتیب، آن ها از محبت و عنایت خدا برای بی بضاعت ترین های بشریت، شهادت می دهند.

* آموزگاران و همه ی کسانی که کلیسا، مأموریت تعلیم دیگران را به آن ها می دهد، بیشتر در خدمت کلام خدا هستند.

* اسقفان و کشیشان خصوصاً - به واسطه ی راز مقدس دست گذاری - به این خدمت کلام دعوت شده اند و هم چنین برای تحرک بخشیدن به اجتماعات مسیحی و مدیریت آیین مذهبی و در درجه ی اول آیین عشای ربانی دعوت شده اند.

* بالأخره، مردان و زنانی در دیرها عزلت می گیرند تا به خدمت نیایش در آیند. تمام هستی آن ها وقف خدا می شود. آن ها از خدا برای همه جهان سپاسگزاری کرده و دعا می کنند.
* مسیحیان، اگر بخواهند به طریق عیسا خدمت کنند، باید زندگی شان را دگرگون ساخته و وقف خدا کنند.

کلام کتاب مقدس

«شبی عیسا از شام برخاست، دستمالی گرفت و آب در لگن ریخت و شروع به شستن پاهای شاگردان کرد ... و چون پاهای ایشان را شست ... به ایشان گفت: «آیا فهمیدید آنچه به شما کردم؟ شما مرا استاد و آقا می خوانید و خوب می گوئید، زیرا که چنین هستم. پس اگر من که آقا و معلم هستم، پاهای شما را شستم، بر شما واجب است که پاهای یک دیگر را بشوئید. زیرا نمونه ای دادم تا چنان که من با شما کردم، شما نیز بکنید. آمین، آمین، به شما می گویم، غلام بزرگتر از آقای خود نیست و نه رسول از فرستاده ی خود. هر گاه این ها را دانستید، خوشا به حال شما، اگر آن را به عمل آرید» (یوحنا ۱۳: ۴-۵، ۱۲-۱۷).

مریم به فرشته می گوید: «اینک کنیز خدا و ندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود» (لوقا ۱: ۳۸).
«پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش، او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید، او را در حین کار، مشغول یابد. هر آینه به شما می گویم که او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. لیکن، هر گاه آن غلام شریر، با خود بگوید که آقای من در آمدن تأخیر می نماید، و شروع کند به زدن همقطاران خود و خوردن و نوشیدن با میگساران، هر آینه، آقای آن غلام آید، در روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند و او را پاره کرده، نصیبش را با ریاکاران قرار دهد، در مکانی که گریه و فشار دندان خواهد بود» (متی ۲۴: ۴۵-۵۱).

برای مطالعه و تعمق بیشتر:

- * رجوع شود به شماره ی ۱/۱۰ «مأموریت کلیسا» و سری دوم شماره ی ۲/۸ «عملکرد مسیحی».
- * نامه های حضرت ایگناسیوس. در قسمت کتابخانه سایت
- * داستان یک زندگی ترز مارتن. در قسمت کتابخانه سایت

در میان اسقفان، کشیشان و شماسان، اغلب با یک خادم (یعنی کشیش) ارتباط داریم که با تعمق بر دعای اسقف، و زمان دستگذاری او می توان بهتر مأموریتش را درک کنیم:

«ای خداوند، خدای قادر مطلق، آفریننده ی آسمان و زمین و هر آن چه که وجود دارد، ای که کلیسای مقدست را برگزیدی و در آن پیامبران، رسولان، روحانیون مقدس و کاهنان را برای کامل کردن مقدسینت، خدمت به تو و احیای بدن کلیسایت، جا دادی. ای خدای بزرگ لشگرها، پادشاه همه ی اعصار به این خدمت نیز لطف بیفکن و توسط نزول روح القدس با دعوتی مقدس او را برگزین و با کلام حقیقت، دهانش را بگشا.
آری ای قادر مطلق او را در راه کهنانت انتخاب کن (در این جا اسقف دست راست او را می گیرد) خداوند بگذار که دست هایش را بر روی مریضان دراز کند و شفا یابد و در خدمت قربانگاه مقدس تو با قلبی پاک و وجدانی صاف باشد و به تو نیایش ها و قربانی های توبه در کلیسای مقدست تقدیم دارد.

بگذار که با قدرت عطیه ی تو، روح گناهکاران را تقدیس و تطهیر کند تا آنان برای اتحاد دوباره و فرزند خواندگی احیاء شوند. بگذار که با اعمال عدالت فرزندان کلیسای مقدس و کاتولیک را برای جلال اسم تو بیاراید. باشد که این خدمت پاک را که به تو تقدیم می دارد، برای او ضامن دیدار رو در روی تو در حیات آینده باشد. عطاکن تا بتواند توسط فیض و رحمت پسر یگانه ات، با اعتماد کامل و با ترس آمیخته به احترام در مقابل عظمت حضورت بایستد تا به تو ای پدر و به مسیح و به روح القدس فر و شکوه بخشیده، حق شناسی و به عبادت بجا آورد. امروز و در هر زمان تا ابدالابد.

(و سپس بر سر دریافت کننده رتبه ی کهنات صلیب می کشد و او جواب می دهد: آمین و اسقف به او می فرماید که سجده نماید سپس از زمین بر می خیزد).

«او را» (همان نوار بلندی که کشیش به گردنش می اندازد) را از دوش دریافت کننده رتبه ی کهنات بر داشته، بر روی سینه اش می گذارد. و در حالی که اسقف با ردائی که بر دوش شخص مذکور می باشد، او را می پوشاند، چنین دعا می کند:

خداوند، خدای ما ترا با ردای عدالت بپوشاند تا در حضورش با پاکی و قدوسیت در تمام روزهای زندگیت بر زمین، مقبول باشی تا ابدالابد.

(و اسقف انجیل را برداشته، در دست او می گذارد و در حالی که با شست دست راستش بر پیشانی شخص دریافت کننده رتبه ی کهنات علامت صلیب را رسم می کند، چنین می گوید:)

برگزیده شده و از دیگران جدا شده، تقدیس شده و کامل گردیده به جهت کهنات کلیسا و خدمت کهنات هارون، به اسم پدر و پسر و روح القدس تا ابدالابد.

سپس اسقف سرشخص مذکور را می بوسد و انجیل را برداشته به سرشماش می دهد تا بر روی قربانگاه بگذارد. شخص دستگذاری شده زانو می زند و بر می خیزد.

اسقف عصای شبانیش را بر می دارد و به سوی پله های قربانگاه بر می گردد، خم شده و عبادت می کند و چهره اش را به سوی مغرب بر می گرداند.»